

میدون و سوفیا

چرا فراکسیون امید ترکانده؟



یوریا عالمی

● ما صددرصد مخالف هستیم با بابای سوفیا و با کسانی که به لیست امید مجلس انتقاد دارند که هیچ کاری نکردند. خوشبختانه خدا را صد هزارمرتبه شاکر هستیم که رئیس فراکسیون دیروز با ایسنا مصاحبه کرده و گفته: «هر تصمیمی در فراکسیون امید گرفتیم پیروز شدیم».

بعد از این اظهارنظر جنجالی، بابای سوفیا و مردم از ما خواستند این جمله را موبشکافانیم و بگوئیم تصمیمات فراکسیون امید چه بود که پیروز شد؟ و با این کار ثابت کنیم چرا و چطوری فراکسیون امید ترکانده است.

موشکافی تصمیم ۱: همه اعضای فراکسیون امید تصمیم گرفتند در مجلس قبل از هر کسی به باقی نمایندگان سلام کنند و لیخند بزنند. این‌طوری فراکسیون امید در طول ۴۰ سال آینده به صورت زیرپوستی و نامحسوس در ناخودآگاه محافظه‌کاران تأثیر می‌گذارد و ۴۰ سال بعد می‌تواند از مرحله لیخند به مرحله چشمک وارد شوند که کار محافظه‌کاران ساخته شود. تصمیم ۲: فراکسیون امید تصمیم گرفت از آنجا که شاعر گفته: «سکوت سرشار از ناگفته‌هاست» در بزنگاه‌ها و بحران‌های کشور و در مجلس ایران با سکوت شدیدترین حرف‌ها را بزند تا حساب کار دست همه بیاید.

تصمیم ۳: اعضای فراکسیون امید تصمیم گرفتند برای اینکه کسی روی فراکسیون امید حساس نشود، اینها بروند با فراکسیون‌های لاریجانی ببینند.

تصمیم ۴: فراکسیون امید هر روز نیم‌ساعت در اتاق رئیس و پشت درهای بسته تجمع کرده و با خواندن سرود دسته‌جمعی «سکوتم از رضایت نیست دلم اهل شکایت نیست» پیام خود را برسازند.

تصمیم ۵: از آنجا که شمس‌لنگرودی در شعر زیبایی گفته:

«دست‌های تو /تصمیمم بود/ باید می‌گرفتم و دور می‌شدم...»،

فراکسیون امید مجلس هم دست‌های همدیگر را که تصمیمشان بود گرفتند و دور شدند، به زیبایی و کرشمه.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... من هم هر روز تصمیم می‌گیرم هیچ کاری نکنم و تا الان در همه تصمیم‌هایی که گرفته‌ام پیروز شده‌ام.

عاشق تصمیم‌گیرنده پیروز تو؛ میدون دوم

در آینه اخبار

بیلبرودهای اهدایی پس فرستاده شد

● بهاره افشاری به‌عنوان کارگردان فیلم سریک در نامه‌ای دریافت ۲۰ بیلبرد اهدایی شهرداری را رد کرد.

این نامه بیانگر همان نکته‌ای است که رسانه‌ها در این چند روز درصد آن بوده‌اند: رفع بی‌عدالتی و تخصیص امکانات برابر برای همه. در نامه این بازگر البته تأکید شده است که «به‌هرروی پیش از اکران فیلم خصوصی «سریک» ما هیچ درخواستی مبنی‌بر گرفتن بیلبرد، نه به شهرداری و نه هیچ نهاد دیگری ارائه نداده بودیم و این پیشنهاد صرفاً از سوی این نهاد و در راستای وظایفش که حمایت از فرهنگ و هنر است، ارائه شده بود». او با اشاره به اینکه «به لطف خدا و مردم نازنین فیلم ما در هفته اول بدون هیچ تبلیغی در نخستین ساعات فروش تمام بلیت‌هایش به پایان رسید»، تأکید کرده است: «در مراسم اکران خصوصی فیلم «سریک» در امتداد وظایف نهاد شهرداری جهت حمایت از سینمای مستقل، پیشنهاد اختصاص ۲۰ بیلبرد به فیلم «سریک» مطرح شد. سؤال من اینجاست کدام کارگردانی که غایت آرزویش دیده‌شدن فیلمش است از این امکان چشم‌پوشی می‌کند؟ هرچند بعدها این کمک فرهنگی در این فضای ملت‌په، تعبیر به هدیه شخصی شد. (که باز پرواضح است پیشنهاد هدیه یا حتی حسن‌نیت کمک به سینمای مستقلی که از جانب کسی دیگر اولین‌بار مطرح شده و نه از طرف گروه سریک کار باید باعث شرمساری گروه ما شود)».

سرپرست سازمان ورزش شهرداری در اولین واکنش‌ها به ایسنا و امتداد و... گفته بود: « از آنجایی که وظیفه سازمان ورزش کمک به ورزشکاران و ورزش است، ما این مسئله را مورد توجه قرار دادیم، اما اینکه قسه ۲۰ بیلبرد چطور درآمده و ماجرای تولد خانم افشاری به ذهن دوستان خطور کرده، الله اعلم. ضمن اینکه خبرنگاری که این خبر را تهیه کرده، از بین صحبت‌های من تحلیل و عدد و رقم خود را منتشر کرده و من چنین چیزی را اعلام نکردم.»

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۷ ۱ ذی‌القعده ۱۴۳۹ ۱۵ جولای ۲۰۱۸ سال یازدهم • شماره ۳۱۹۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۰

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



تجربه دیگران

زندگی به‌مثابه پنالتی در جام جهانی

آندره اسپایسر، استاد رشته رفتارهای سازمانی در دانشکده تجارت دانشگاه لندن، در مقاله‌ای در روزنامه گاردین با عنوان «رازى که در گرفتن پنالتي در جام جهانی وجود دارد»، به شباهت تصمیم‌های دشوار زندگی با این جنبه از ورزش فوتبال پرداخته است.

داور در سوت خود می‌دمد، دروازه‌بانی که باید پنالتي بگیرد، کش‌وقوسی به تن خود می‌دهد و طرفداران تشویقش می‌کنند. دروازه‌بان باید تصمیم خطیری بگیرد؛ اینکه به کدام طرف ببرد – به راست یا چپ، یا همان وسط بماند؟– دروازه‌بان هرچقدر هم مجرب باشد، احتمال دارد مرتکب یک اشتباه رایج شود؛ اینکه ببرد، در صورتی که شاید بهتر باشد هیچ کاری نکند.

تجزیه و تحلیل ۲۸۶ مورد پنالتي نشان می‌دهد اکثر دروازه‌بان‌ها ترجیح می‌دهند به‌جای ماندن در مرکز (۶/۳ درصد)، به سمت چپ (۴۹.۳ درصد) یا راست (۴۴.۴ درصد) بپرند. باین‌حال، ماندن در مرکز ممکن است ایده بهتری باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که ۳۹.۲ درصد از شوت‌ها در پنالتي به وسط، ۳۲.۱ درصد به سمت چپ و ۲۸.۷ درصد به سمت راست است. پس چرا دروازه‌بانان پرش می‌کنند درحالی‌که بهتر است سر جایشان بمانند؟

به گفته کارشناسان، پاسخ در «سوگیری کنش» است؛ یعنی تمایل ما به اقدام، حتی زمانی که هیچ‌کاری نکردن بهتر است.

نمونه‌های سوگیری کنش در همه ما وجود دارد. صاحبان باشگاه‌های فوتبال با مواجهه با کوچک‌ترین مشکلی، مدیر باشگاه را اخراج می‌کنند، درحالی‌که بهتر است او را حفظ کنند. افرادی که در کار معاملات سهام هستند، معاملات غیرسودآور را به اینکه هیچ‌کاری انجام ندهند، ترجیح می‌دهند. کارمندان بی‌دلیل سعی می‌کنند خود را مشغول نشان دهند، حتی زمانی که این کار عملاً بی‌نتیجه باشد. پزشکان بارها موقعی که تولد طبیعی می‌تواند بهتر باشد، سزارین انجام می‌دهند.

یکی از دلایل اینکه به اقدام علاقه‌مندیم، این است که نمی‌خواهیم پشیمان شویم. دروازه‌بانان اغلب تحت فشار روانی باخت احتمالی تیمشان پرش می‌کنند. می‌دانند اگر هیچ‌کاری نکنند و گل بخورند، احساس بدتری خواهند داشت تا اینکه تلاش کنند و اشتباه کنند.

ما و روس‌ها ۳۰۰ سال است که به‌نوعی با یکدیگر همسایه‌ایم. اما نه به نزدیکی همسایگان تاریخی و جغرافیایی دیگر که با آشنایی و هم‌زیستی و ستیز و آشتی در قرون و اعصار همراه بوده است. میان ما و روس‌ها در شمال شرق اقوام ازبک و ترکمن و در شمال خزرها و بلغارها و دیگر اقوام ترک و آلتایی و در شمال غرب که نزدیک‌ترین مرز با آنان است، قفقاز جنوبی شامل بخش شمالی آذربایجان و اران و ارمنستان و گرجستان و آبخاز و چرکس و قفقاز شمالی شامل قره‌داغ و دربند و همین چچن و اینگوش و اقوام ایرانی باستانی اوستیایی و بلغارهایی که بعدها به غرب دریای سیاه مهاجرت کردند، ساکن و سپر و مانعی میان روس‌ها یا صقلب‌ها و ایرانیان بوده‌اند. تا زمان صفوی این سپر و آن اقوام با رنگی ایرانی و خودمختاری محلی در برابر روس‌ها ایستادگی می‌کردند. حمله چنگیز که تا مسکو پیش راند، نخستین رخه مهم از مشرق و مشرق‌زمین به دیوار صقالیه بود، از آن پس روس‌های قزیر که از گرمی و سبزی و ثروت و وفور نعمت در ایران‌زمین داستان‌ها شنیده بودند، پس از شکست‌دادن خزرها و ساکن‌شدن در دلتای ولگا و بندر آستاراخان کنونی، به شیخون‌زدن‌های فصلی به سواحل مازندران و گیلان



فریدون مجلسی

با کشتی‌های کوچک و غارت و بازگشت مشغول شدند که برایشان همچون شکاری سودبخش بود. با قدرت‌یافتن صفویه و بهسود اوضاع مادی و کسب‌وکار روس‌ها بعد از بطرکبیر از آن شیخون‌ها کاسته شد، اما آگاهی روس‌ها از سقوط دولت صفوی طمع توسعه‌طلبانه آنان را به جوش آورد. نادرشاه توانست روس‌ها را عقب براند، کریمخان نیز مقاومت کرد و آغا محمدخان آنان را از قفقاز بیرون راند، اما فتحعلی‌شاه در دو جنگ بزرگ شکست خورد و ناچار به پذیرش قرارداد ترکمانچای شد و کل قفقاز و دریای خزر را از دست داد. ناصرالدین شاه نیز با قرارداد آخال سرزمین‌های باستانی و خانات خودمختار مرو و خیوه و سمرقند و بخارا و تاجیکستان را واگذار کرد. آزمندی روس‌ها در دوران بلشویکی هم ادامه یافت. هنوز دو سال از تشکیل شوروی نگذشته بود که سالدات‌های روس با استفاده از ضعف و انحطاط قاجار در انزلی پیاده شدند و دولت‌دست‌نشانده جمهوری سوسیالیستی گیلان را تشکیل دادند. پس از جنگ جهانی دوم نیز با نفوذ در حزب توده و تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان به سعی خود برای تجزیه و نفوذ در ایران ادامه دادند. رفتار خشن و اهانت‌آمیز و سودجویانه روس‌ها در ۲۰۰ سال گذشته خاطرات تلخ و دلهره‌آوری از آنان بر جا نهاده است که به‌سادگی زودنی نیست. از طرفی به نظر می‌رسد فتوحات و غرامت‌های دریافتی که در این ۲۰۰ سال در ایران‌زمین نصیب روس‌ها شده است، در دوران ناسیونالیستی نژدپرستانه کنونی رایج



عبدالرحمن نجل رحیم مغز پزوه

بر اساس آموخته‌های علم عصب‌پژوهی جدید و پژوهش‌های کسانی چون جرج لیکاف، مفاهیم استعارای که فرهنگ انسانی را می‌سازند، برگرفته از ارزش‌هایی‌اند که مغز ما در رابطه با تن می‌سازند و به عبارتی مفاهیمی‌ت‌مند هستند. بازی فوتبال هم از این قاعده مستثنی نیست. حال اگر فوتبال را از نظر مفهوم استعاری آن معادل «زندگی» بدانیم، شاهد آن هستیم که حتی در قالب تیم‌های ملی نیز نژادطلبی، قوم‌گرایی و ناسیونالیسم همراه با پوپولیسم رنگ می‌بازد؛ بنابراین در جام جهانی اسامی می‌بینیم بسیاری از ملل صاحب فوتبال چون آلمان، برزیل، آرژانتین، اسپانیا و پرتغال با فوق ستاره‌های تیم‌های باشگاهی اروپایی که در بازار سرمایه‌داری مدرن، با قیمتی گراف خرید و فروش می‌شوند، از گردونه مبارزات حذف می‌شوند. از چهار تیم به نیمه‌نهایی رسیده، ۷۸ درصد تیم فرانسه و نزدیک به ۵۰ درصد تیم انگلیس و بلژیک را مهاجران تشکیل می‌دهند. بیش از ۵۱ درصد افراد تیم کرواسی که کشوری تازه متولدشده و با جمعیت کم است، در خارج از این کشور متولد شده‌اند. فراموش نکنیم که در کرواسی، فوتبال عین سیاست است. از طرف دیگر شاهد این هستیم که نزدیک به ۴۰ درصد بازیکنان این چهار تیم، در باشگاه‌های فوتبال انگلیس و بقیه هم در باشگاه‌های معروف دیگر اروپایی تمرین دیده و مهارت یافته‌اند.

در بیولوژی و مغزپژوهی مدرن و مفاهیم استعاری حاصل از آن، نژاد، قوم و ملیت، درجه استعداد و هویت افراد را تعیین نمی‌کند. به نظر می‌رسد بازی فوتبال در حال آزدکردن قدرت استعاره‌ساز انسانی خود از زیر فشار معادلات تحمیلی قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان است. آشکار می‌شود که دیگر فوتبال مثل جنگ نیست، فوتبال چون زندگی

و مهارت یافته‌اند. در بیولوژی و مغزپژوهی مدرن و مفاهیم استعاری حاصل از آن، نژاد، قوم و ملیت، درجه استعداد و هویت افراد را تعیین نمی‌کند. به نظر می‌رسد بازی فوتبال در حال آزدکردن قدرت استعاره‌ساز انسانی خود از زیر فشار معادلات تحمیلی قدرت سیاسی و اقتصادی حاکم بر جهان است. آشکار می‌شود که دیگر فوتبال مثل جنگ نیست، فوتبال چون زندگی

رفتاری که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با ملکه بریتانیا داشت، از نوعی بود که الیزابت دوم احتمالاً هرگز در عم ۹۲ ساله خود تجربه نکرده بود. هرچند از ترامپ بعید نبود؛ ترامپی که به تعداد زیادی ۲۰ پوند داد تا بر برابر ۲۵۰ هزار معترض لندن به نفخش تظاهرات برپا کنند، اما چنین بالهایی را پیش از این احتمالاً فقط کم‌دین‌هایی مثل لسلی نیلسن فقید، بازیگر مجموعه فیلم‌های «سلاح آخته» یا روان آتکینسن (مستر بین) یا پتر سلرز، آن هم فقط در فیلم‌ها توانسته بودند بر سر ملکه بریتانیا بیاورند.

بر اساس گزارش رسانه‌های آمریکایی و بریتانیایی، ترامپ تقریباً هر ترتیب و آداب درباری را ر زیر پا گذاشت و مدام پروتکل‌های بازدید و تشریفات دربار را در دیدار با الیزابت دوم نقض کرد. اول اینکه حدود یک‌ریج سر قرار دیر رسید و ملکه را در دمای ۸۰ درجه فارنهایت (حدود ۲۷ درجه سانتی‌گراد) زیر آفتاب نگه داشت. پیدا بود که الیزابت اصلاً از این معطل‌شدن لذت نمی‌برد و مدام به ساعتش نگاه می‌کرد تا اینکه

پشت تاریخ

ماوروس‌ها

در آن کشور نوعی حالت نخوت متوقعانه و اربابانه نسبت به ایران پدید آورده که در رفتار تحقیرآمیز و تبعیض نژادی نسبت به قوم ایرانی تاجیک در روسیه تجلی می‌یابد. به این ترتیب احساس ایرانی‌ها نسبت به روسیه احتیاط‌آمیز است. ایرانی‌ها که روابط بین‌المللی را نیز با معیارهای زندگی خصوصی می‌سنجند، وقتی در مسائلی روسیه را همسو و موافق و متحد خود می‌پندارند، انتظار دارند این اتحاد در همه جنبه‌ها خود را نشان دهد. درحالی‌که روسیه خود را ابرقدرتی بزرگ و بی‌نیاز از اتحاد می‌داند و با نگاه از بالا ممکن است از ایران انتظار پیروی از خودش را داشته باشد، اما پذیرای تعهدی نیست. هر زمان اقتضا کند از برگ ایران در عرصه بین‌المللی استفاده می‌کند و هر زمان منافع ملی‌اش اقتضا کند به راه خود می‌رود. خصوصاً که با توجه به دیگری‌های بین‌المللی ایران و تحریم آمریکا و نگرانی شرکت‌ها و بانک‌های غربی ممکن است نخواهد خود را درگیر دردسره‌های ایران کند. باید توجه داشت که بیشترین درآمد ارزی روسیه از نفت و گاز حاصل می‌شود که ایران بزرگ‌ترین رقیب آن کشور و منابع آن نزدیک‌تر به بازار اروپایی است. آنچه در روابط بین‌الملل مطرح است تلاش هر کشور برای حفظ منافع مشروع و متعارف ملی است و توافق نظر روی مسئله‌ای خاص را نمی‌توان دلیلی بر اتحاد و پیوستگی یا خصومت و ستیزایی ادبی با کشوری تلقی کرد.

مغز اجتماعی-۲۵

استعارات مفهومی در جام جهانی فوتبال

می‌شود. جهانی‌شدن از طریق تمرکز و تجمع ثروت و قدرت و پول، تکرار فجایی است که انسان کنونی با آن روبه‌رو است.

اصطلاحات فوتبالی در آرایش تیم‌ها (دفاع، خط میانی، حمله) و نوع سنت گزارشگری در فوتبال، استعاره فوتبال را به‌مثابه جنگ و خشونت مطرح می‌کند. اولین‌بار، جرج اورول، فوتبال را به جنگ بدون تیراندازی تشبیه کرده است. جرج لیکاف همان‌قدر فوتبالی را از نظر استعاره‌ای مفهومی به جنگ شبیه می‌داند که جدل لفظی یا رقابت می‌تواند مثل جنگ باشد. درست است این نوع گزارشگری بعد از جنگ جهانی دوم برای فهم عمده در رسانه‌های انگلیسی‌زبان و لهستانی، فوتبال را به میدان جنگ تبدیل می‌کرده و هنوز آثار آن در گزارشگری‌ها و بعضی از مطبوعات و رسانه‌ها قابل دنبال است. ولی نگاه به فوتبال مدرن در همین جام جهانی که در روسیه برگزار شد، نشان می‌دهد که امروزه شباهت فوتبال به میدان جنگ بین قبیله، قوم و ملت‌ها بسیار کمتر از گذشته است و کمتر از استعارات جنگی استفاده می‌شود. یکی از دلایل عملی آن، وجود بازیکنان هم‌باشگاهی و دوستان و رفقای نزدیک بازیکنان سرشناس در تیم‌های ملی رقیب یا بالعکس است. در میان تماشاگران نیز شکست و پیروزی در رقابت فوتبالی هرچه بیشتر، شباهت خود را به میدان نبرد خشونت‌آمیز و مرگ‌آفرین جنگ از دست می‌دهد و کمتر شاهد دریگری و خشونت در هنگام بازی و پس مسابقات در میان تماشاگران فوتبال داده باشد. به همین ترتیب می‌توان امیدوار بود که بسیاری از استعاره‌های مفهومی جامعه سرمایه‌داری امروز نیز در شرایط زیست انسانی‌تر در آینده، از میان برداشته شوند.

یشت به ملکه کرد و خود از او پیش افتاد و هرچه کوریوگرافر مراسم رشته بود، پنبه کرد و بدتر از همه اینکه مدام برای تماشای سرازانی که در آن گرما و زیر آن لباس و کلاه‌ها داشتند می‌پختند، ایستاد و راه ملکه را سد کرد و الیزابت را مجبور کرد دائم دورش بچرخد!

این در حالی است که حتی شاهزاده فیلیپ ۹۷ ساله که از ۷۰ سال پیش شوهر الیزابت بوده، همیشه طبق سنت یک قدم پشت‌سر او حرکت کرده است. سرانجام ترامپ کت از تن درآورد و گره کراواتش را هم شل کرد تا کلکسیون بی‌احترامی به دربار انگلستان تکمیل شود.

رفتارهای ترامپ در دربار انگلستان علاوه‌بر رسانه‌های مرسوم، در شبکه‌های اجتماعی هم کلی سروصدا کرد و کاربران هم که پیشاپیش دل خوشی از دونالد ترامپ نداشتند، فرصت پیدا کردند و به او تاختند و حتی بریتانیایی‌هایی که خودشان هم علاقه‌ای به خاندان سلطنتی نداشتند، القابی از قبیل «کستاخ» و «بی‌تربیت» به او دادند.

